

سنت آگوستین قرار دارد، معروفترین پناهگاه و منزلگاه برای کسانی که می‌خواهند آخرین روزهای زندگی خود را در طلوع آفتاب به انتظار مرگ بنشینند.

چشمه‌ی جوانی، منشاء آب زندگی، چاهی در انتهای جهان از موضوع‌های رایج در افسانه‌ها بوده است. در افسانه‌ها داستان‌های پریان به مایعی سحرآمیز اشاره می‌شود که شفادهنده‌ی همه‌ی بیماران است و هر دردی را دوا می‌کند. مرده را به زنده مبدل کرده و هر کس که از این آب بنوشد عمر جاودانی و ازلی خواهد یافت. اسکندر کبیر نیز برای یافتن آب جاودانی و رسیدن به حیات ابدی به انتهای جهان سفر کرد.

لوکاس کراناک (L. Cranach) نقاش آلمانی (وفات ۱۵۵۳) در نقاشی خود چشمه‌ای را به تصویر کشیده است که زنان پیر با داخل شدن در آن، به زنانی جوان تبدیل می‌شوند.

در نقاشی دیگری از بوش* نقاش هلندی «باغ خوشی‌ها» به تصویر کشیده شده و چشمه‌ای شگفت‌آور نشان داده می‌شود که منبع و منشاء رودخانه زندگی است که به باغ عدن می‌ریزد. (اسکندر کبیر؛ اکسیر زندگی؛ چشمه) در واقع نبودن آب مصادف با مرگ شمرده می‌شود، نه تنها در این جهان که در جهان دیگر نیز این چنین خواهد بود. در سنت‌های مسیحی و خاور نزدیک باور بر این است که مردگان در عطش آب خنک هستند، زیرا در بیابان‌های گرم و سوزانی قرار دارند، که آب زندگی بخش و طراوت دهنده وجود ندارد.

آب به طور طبیعی با زندگی پیوندی نزدیک دارد و ادامه‌ی حیات بدون آن ممکن نیست. مایعات به صورت کلی حیات دهنده هستند: باران به رشد گیاهان کمک می‌کند، کودکان از شیر مادران تغذیه می‌کنند، جوجه در میان مایع داخل تخم بزرگ می‌شود، خون مایع حیات انسان‌ها و حیوانات است مایعات زندگی بخشند چون جریان دارند. جیوه «نقره حیات بخش» نامیده می‌شود زیرا که متحرک است و همین امر اساس اهمیت آن را به عنوان روح و جوهر در علم کیمیا مطرح می‌کند.

منشاء زندگی جاودانی

در اشعیا (فصل ۴۴) روح حیات دهنده و باران زندگی بخش با یکدیگر پیوند می‌یابند. در ارمیا (۲/۱۳) خداوند همچون «چشمه‌ی آب‌های زندگی دهنده» معرفی شده است. در حزقیال (فصل ۴۷) آمده است که رودخانه‌ی زندگی از اورشلیم برای آبیاری بیابان‌ها و تازه کردن آب‌های دریاها مرده و آنها را از انواع ماهی‌ها پر کردن جاری می‌شود.

در کتاب زکریا (فصل ۱۴) به روز خداوند اشاره می‌شود روزی که خداوند بر تمامی زمین حکم می‌راند و آب‌های حیات بخش از اورشلیم جاری خواهد شد... و در تابستان همچون زمستان این جریان استمرار پیدا خواهد کرد. مردم هر ساله برای نیایش خداوند و برگزار کردن جشن و عید مذهبی* به اورشلیم خواهند رفت. و کسانی که از این کار سرباز زنند و اهمال کنند هیچ بارانی بر آنها نخواهد بارید.

این پیشگویی، رودخانه زندگی و باران را با عید مذهبی (Booths) و همچنین جشن برداشت محصول یا جشن خرمن برداری* (Tabernacle) که بعدها به جشن سایبان معروف شد پیوند می‌دهد. جشنی که مردم در طی برگزاری آن در بیرون از منازل خود و در زیر سایبان‌هایی که با شاخ و برگ پوشانده شده است به یاد اجدادشان که از بیابان‌های سوزان می‌گذشتند و خداوند به نحو شگفتی بر آنها باران بارید مراسمی برگزار می‌کنند. سایبان‌ها و آلاچیق‌های سرسبزی که باغ عدن را به یاد می‌آورد، باغی که با رودخانه‌ای که به چهار رودخانه تقسیم می‌شد آبیاری می‌گردید. (سفر پیدایش، فصل ۲)

در طی برگزاری عید مذهبی آب به عنوان هدیه‌ای به خدایان داده می‌شد. مسیح می‌گفت «اگر کسی تشنه است به او اجازه دهید نزد من آمده و آب بنوشد.» (یوحنا، فصل ۷) و پیش از آن نیز گفته بود که «هر کسی از آبی



رمزگرایی آب آشوب ازلی

○ ریچارد کاوندیش

○ ترجمه سعید رضایی

آب و نقشی که در پالایش روحی و جسمی دارد و بازشناسی آن در اساطیر و نگاه به آن به عنوان نمادزایش و زاینده‌گی و نماد تطهیر، جایگاه والایی را در ذهن انسان از گذشته‌های دور به خود اختصاص داده است. آب نه تنها، مقدس شمرده می‌شود که آشامیده می‌شود. در اسطوره‌های سومری، انکی موجوداتی را (دو موجود) با غذای زندگانی و آب حیات به جهان زیرین می‌فرستد و از آنان می‌خواهد تا شصت بار، آب حیات را بر جنازه‌ی آنان بپاشند، تا زن خدا بار دیگر به زندگی بازگردد. آب اساس و شالوده‌ی هستی است. اعتقاد، مفهوم و آموزه‌ای محوری است که در طول آن بخش بزرگی از رسوم و آداب مذهبی و آیینی شکل می‌گیرد.

آب به لحاظ حیاتی بودنش مقدس شمرده می‌شود و این تقدیس به گونه‌ای است که از یک سوی نماد حیات و از دیگر سو نماد پالایش است. شست و شو در آب، در تفکر اسطوره‌ای یعنی حیاتی دوباره و نو شدن و حیات مجدد یافتن در تفکرات و آیین‌های دینی. تعمید حضرت مسیح نشانی است از زندگی نو در آیین مسیح. مسیح در روز عید تجلی آب را تقدیس می‌کند. غسل تعمید را می‌توان با مرگ انسان و سپس تولد مجدد او برابر دانست و در سطح کیهانی می‌توان با واژگونی اشکال هستی و گسسته شدن صورت‌ها و برگشت به آشوب ازلی و هیولی نامتعیین، یکی دانست.

آب حیات و آب زندگی، آب آشوب ازلی و بی‌نظمی کیهانی (Chaos)* و آب ویرانی و هلاکت سه عنصر اصلی در نمادگرایی آب به شمار می‌روند. اوایل قرن شانزدهم با سه کشتی برای یافتن آب زندگی به جست و جوی سرزمین Bimini پرداخت. محلی که کشتی‌های او در سال ۱۵۱۳ پهلو گرفتند، امروز شهر



مادر و پدر نیل، از یک معبد مصری مربوط به قرن نوزدهم: یکی از نکات اساسی در سمبولیسم آب ارتباط آن با زندگی است. بارانی که زمین و خاک را طراوت می‌دهد و رودخانه‌ای که آن را آبیاری می‌کند.

آلودگی مادی با آب شسته می‌شود و به صورتی نمادین آلودگی معنوی و گناه نیز می‌تواند با آب شسته شود. در این تصویر دست‌های مسیح شسته می‌شود.
(A Stained glass window in Lincoln Cathedral)



از خلقت.» به نظر الیاده تعمید را می‌توان معادل با مرگ انسان کهن و تولد مجدد او دانست و در سطح کیهانی می‌توان غسل تعمید را معادل دانست با بروز توفان، واژگونی طرح‌های هستی، گسیختگی صورت و رجعت به آشوب و هیولی نامتعیین. این امر همانندی و مشابهتی را به ذهن ما می‌آورد، مشابهتی که کیمیاگران میان قداستی که در مسیح و در هنگام تعمید او در آب‌های اردن نزول می‌کند و روح خداوند که بر تمامی آب‌های آغازین در هنگام آفرینش جریان دارد، قائلند.

جهان همچون آشوب ازلی خارج می‌شوند. اما آب‌های آشوب ازلی و بی نظمی کیهان می‌توانند آب‌های بالقوه‌ی زندگی نیز باشند. آب‌هایی که چشمه و منشاء زندگی قرار گیرند. آفرودیت الهه‌ی عشق یونانی نیز از دریا متولد شد.

نویسندگان بعدی نیز بر یک همانندی میان آب‌های طوفانی و تعمید اشاره کردند و کشتی نوح را که از سیل، طوفان رهایی یافت، همچون یک پیش بینی از رستگاری و نجات به وسیله مسیح دانستند. کشتی نوح با نماد کلیسا به عنوان کشتی، ارتباط پیدا می‌کند. کشتی‌یی که مومنان را از طوفان‌ها و خطراتی که در کمین شان وجود دارد نجات می‌دهد. مسیحیان با تعمید توانسته‌اند از بندگی شیطان نجات پیدا کنند. داستان طوفان، با شکل‌های مشابه در سنت‌های دیگر، نمونه‌ای است از جنبه‌های دیگر سمبولیسم و رمزگرایی آب و بازگویی این معنا که آب فراوان نیز همچون آب کم زبان‌آور خواهد بود.

توضیحات از مترجم است
* مطلب حاضر ترجمه و خلاصه‌ای است از مقاله آب در مجله انسان، اسطوره و جادو (Man, Myth & Magic, 107). ریچارد کاوندیش در زمینه سحر و جادو مطالعاتی داشته است و در سنت سحر و جادو اروپایی بررسی‌هایی کرده است. نویسنده The black art بوده و در آکسفورد تحصیل کرده است. وی سفرهای متعددی در آمریکا و خاور دور داشته و نویسنده سه رمان است.

در دریا خشونت، طغیان و تلاطم و ویرانگری آب دیده می‌شود، ویرانگری که می‌تواند تهدید کننده زندگی باشد. در اساطیر بابلی هیولای دری قیامات (Tiamat) که چشمانش رودخانه تیگریس (Tigris) و Euphrates هستند خدایان را به براندازی تهدید می‌کند، بعل (Baal) بر یم (Yam) خدای دریاها و رودخانه‌ها و آب‌های زیرزمینی غلبه می‌کند. اسناد قدیمی گواهی می‌دهند بر پیروزی یهوه (Jahweh) بر غول دریا نیای بزرگترین غول‌ها و دورتر از آنها تهدید شدن توسط تحول‌ها و هیولاهایی است که در داستان تخیلی به آنها اشاره می‌شود. غول‌هایی که از اعماق زمین برای انهدام

* Chaos. آشوب و بی نظمی کیهان قبل از آفرینش که به آن آشوب ازلی نیز گفته می‌شود. در واقع کیهان از همین بی نظمی زاده شده و نظم می‌یابد.

* هیرونومیس بوش نقاش هلندی (وفات ۱۵۱۶). آثار او پر است از عجایب و به دور از عالم عقل و منطق. قاب تزئینی سه لوحی به نام «باغ



○ آب‌های مقدس ایران
○ جمشید صدافت کیش
○ انتشارات شرکت آب و فاضلاب شیراز

«آب‌های مقدس ایران» عنوان پژوهشی است از جمشید صدافت کیش که در یازده فصل و تحت عناوین آب، آب در ایران باستان، آب در آیین مزدیسنا، فرشته آب و فرشته باران، عروسی قنات، جشن‌های آب‌پاشان (آبریزگان) و تیرگان، سایر جشن‌ها، آب در ایران پس از اسلام، آب‌های مقدس، مراسم باران‌خواهی، تجزیه و تحلیل مراسم باران‌خواهی ارائه شده است.

صدافت کیش با آوردن این ضرب‌المثل که می‌گوید: «آنچه با آفتاب بمیرد، توسط آب زنده‌اش می‌کنند، اما آنچه از بی‌آبی بمیرد آفتاب هم زنده‌اش نمی‌کند.» معتقد است در کشورمان همه چیز وابسته به آب بوده، کشوری که از زمانی دور با خشکسالی رو به رو بوده است. در ارتباط با آب، کشورمان دارای فرهنگ و تمدن خاصی بوده و برای استفاده بهینه از آن و هزاران موضوع دیگر ایرانیان آداب، مراسم و باورهایی داشته‌اند که سعی شده از لابلای متون هر آنچه موجود است بیرون کشیده شود. در این اثر آنچه در پژوهش‌های میدانی در مورد فارس به دست آمده گردآوری، و بر اساس ادیان پیش از اسلام در ایران و نیز در ایران بعد از اسلام تشریح شده‌اند. در فصلی نیز نمادهای چنین مراسمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. مولف ابتدا به آب به عنوان بن‌مایه زندگانی پرداخته است و سپس به آب در ایران باستان اشاره می‌کند. در بحث آب در آیین مزدیسنا سه فرشته‌ی مرتبط با آب یعنی آناهیتا (فرشته آب)، فرشته نگهبان آب و فرشته باران مورد بحث قرار می‌گیرد.

تحت عنوان عروسی قنات به این نکته اشاره شده که موضوع نر و ماده بودن آب‌ها و نیز قنات که ماندگاری است از مراسم دوران ستایش آناهیتا و تیشتر، ما را به عروسی قنات رهنمود می‌کند که امروزه در بسیاری از نقاط ایران رواج دارد. زن گرفتن برای قنات و نحوه اجرای مراسم عروسی و شوهر دادن قنات و برگزاری این مراسم در مجاورت آب‌ها و قربانی

خوشی‌ها» پرتفصیل‌ترین و ابهام‌برانگیزترین اثر بوش به شمار می‌رود. از سه نقاشی قاب تزئینی وی تنها قسمت چپ آن که به باغ فردوس اشاره می‌کند بازشناخته می‌شود. باغی که در آن خداوند آدم را به حوای تازه آفریده شده معرفی می‌کند. در بخش مرکزی این قاب منظره‌ای به چشم می‌خورد که بسیار شبیه به باغ عدن می‌باشد با جمع بی‌شماری از مردان و زنان و اعمالی عجیب و غریب. به نظر می‌رسد خوشی‌های این باغ همه از هوس‌های جسمانی ناشی شده است. پرندگان، میوه‌ها و مانند آن‌ها رمزهایی است که برای توصیف زندگی بشر بر روی زمین و اثبات اینکه همه زندانی شهوات خود هستیم.

* مینای حکایت اقامت اسراییل در مصر و فرار آنان از مصر که در سفر خروج آمده رویدادی تاریخی است. اما قالب القاء این واقع نمی‌تواند تاریخ باشد. داستان مصیبت‌های دهگانه‌ای که فرعون را ناگزیر می‌کند که به اسراییل اجازه خروج از مصر بدهد، همچنین شکافتن دریای سرخ برای عبور اسراییل، داستان عصای موسی، داستان ستون ابر و آتشی که یهود تصور خودش را در آن بین قوم خودش متجلی می‌کند قالبی است که اعمال پیروزمندانه یهود در آن حفظ گردیده و همه ساله در هنگام بهار در جشنواره فصیح، در نیایش‌های همگانی خوانده می‌شود. از (سفر خروج ۲۷-۱۲:۲۴ و ۱۳:۱۴-۱۵) بر می‌آید که هدف این مراسم عبادی تجلیل از یهود و تذکار اعمال رهایی دهنده‌ی او می‌باشد. این جشن ابتدا به صورت یک آیین خانوادگی انجام می‌گرفت اما کم‌کم به صورت جشنواره‌ای گسترش یافت که در مکان مقدسی برگزار می‌شد و در نهایت نیز در حریم معبد در شهر اورشلیم اجازه برگزاری یافت. (اساطیر خاورمیانه/ساموئل هنری هوک)

* در سفر تثتیه (۱۱-۲۶) به آیین‌های فصلی و احتمالاً به رویدادهایی اشاره می‌کند که در یک پرستشگاه محلی به هنگام جشن برداشت خرمن که جشن سایبان نیز نامیده شده رخ می‌داد. نیایشگر پیشکشی خود را آورده و به کاهن تسلیم می‌کند و کاهن آن را در جلوی مذبح می‌گذارد.

نیایشگر در مقابل کاهن و مذبح اسطوره کیشی سفر خروج (Exodus) ورود به کنعان را می‌خواند. این بخش نشان دهنده ضمنی این سنت است که کاهنان مراکز کیشی محلی رویدادهایی را که در گذشته‌ای دور بر اسراییل گذشته است، حفظ کرده‌اند. سپس این وقایع به صورت دعا و نیایش‌های جمعی و برای نسل‌های بعدی به ارث گذاشته شده است، درست همان گونه که در فستیوال سال نوی بابلی اسطوره‌ی پیروزی مردوک بر تیامات را می‌خواندند.

در جشنواره‌های فصلی اسراییل نیز داستان ذکر آیینی، اعمال مقتدرانه یهود، رویداد اصلی این مراسم بوده است. قابل ذکر است که انبیاء اسراییل که تفسیرکنندگان گذشته اسراییل به صورت «تاریخ به مثابه‌ی رستگاری» بودند از نگاره‌های اسطوره‌ای بابلی بهره گرفته‌اند تا رهایی اسراییل را به دست یهود از مصر تبیین کنند. چنانچه مصر شبیه به ازدهایی شده که شمشیر یهود بر آن کوبیده می‌شود. (اشعیا ۱۰-۹:۵۱) (اساطیر خاورمیانه، ساموئل هنری هوک، ترجمه علی اصغر بهرامی، فرنگیس مزدپور)

* تیامات Tiamat در اساطیر بابلی - آشوری غول یا ازدهایی مؤنث آب‌های شور نامیده می‌شد و در اساطیر سومری به نام لابلو آمده است.